متن کامل بیانات مهم رهبر انقلاب در حرم رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۳

ملت ایران باید خود را قوی کند

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدّیین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الأرضین. اللّهم صلّ علی فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها، اللّهم صلّ علی ولیّک علیّ ابن موسی عدد ما احاط به علمک، صلاةً دائمة بدوام عظمتک و کبریائک، اللّهم سلّم علی ولیّک علیّ ابن موسی الرّضا عدد ما فی علمک، سلاماً دائماً بدوام مجدک و عظمتک و کبریائک.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که تفضّل فرمود و عمر داد تا بتوانیم یک بار دیگر و یک سال دیگر، در جوار این مرقد منوّر و آسمانی، در این جمع پرشور و صمیمی، با شما برادران و خواهران عزیز گفت‌وگو کنیم. لازم است اولاً نوروز و حلول سال نو را بار دیگر، به همه برادران و خواهرانی که سخنان ما را می‌شنوند و به همه ملّت ایران تبریک عرض کنیم و از خداوند متعال برای ملّت ایران و همه مسلمانان جهان، سال پر برکت و زندگی همراه با سعادت را مسألت نماییم؛ و امیدواریم خداوند متعال تفضّل بفرماید و سالی که امروز آغاز شد، سالی باشد در شأن ملّت بزرگ ایران، سالی پر خیر و برکت و برخوردار از تفضّلات الهی و توجّهات پروردگار.

یک جمله‌ای در باب سال ۹۲ که دیروز به پایان رسید عرض کنیم. در پیام اوّل سال اشاره کردیم که در سال ۹۲ آنچه به‌عنوان حماسه سیاسی انتظار می‌رفت، ملّت ایران خلق کردند و آفریدند. یقیناً حماسه سیاسی در دو حرکت بزرگ ملّت ایران جلوه بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه اوّل سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملّت در نیمه دوّم. درباره انتخابات حرف بسیار زدیم؛ هم این انتخابات، هم همه انتخابات‌های متعدّدی که از اوّل انقلاب تاکنون برگزار شده است. همچنین درباره راهپیمایی‌های بزرگ سراسری بیست‌ودوّم بهمن، هم این حقیر و هم دیگران، مطالب متعدّدی را بر زبان آورده‌اند که نمی‌خواهیم آنها را تکرار کنیم؛ ولی دو نکته درباره این دو حادثه وجود دارد. درباره هر کدام از این دو حادثه‌ای که به معنای واقعی کلمه هر کدام یک رسانه فراگیر از وضعیّت کشور ما و ملّت ما در مقابل لجن‌پراکنی‌های مغرضانه تبلیغات جهانی است، نکته‌ای وجود دارد که من مایلم قبل از مطالب مربوط به سال ۹۳ به این دو نکته بپردازم.

نکته اوّل در باب انتخابات است. برادران و خواهران عزیز توجّه کنند که از اوّل انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات پایین نیفتاده است، تنزّل نکرده است؛ این خیلی مهم است. در آخرین انتخاباتی که ملّت ما پای صندوق رأی رفتند ـ یعنی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم ـ شرکت مردم در انتخابات، ۷۲ درصد بود؛ این رقم، هم در بین انتخاب‌های دنیا یک رقم بالایی است و یک نصاب برجسته‌ای است، هم در بین انتخاباتهایی که از اوّل انقلاب تا امروز اتّفاق افتاده است یکی از بالاترین رقمها است؛ معنای این چیست؟ معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن این است که نظام جمهوری اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست. کشوری که در طول قرن‌های متمادی با حکّام مستبد و دیکتاتور گذران می‌کرده است، آنچنان با مردم‌سالاری و شرکت مردم در انتخاب صاحبان قدرت، آشنا و در هم آمیخته شده است که به بعد از گذشت ۳۵ سال از هیجانات اوّل انقلاب، مردم وقتی نوبت انتخاب می‌رسد، ۷۲ درصد در انتخابات شرکت می‌کنند؛ قدر این را باید دانست. من به شما جوان‌ها و به همه عناصری که صاحب فکرند در سرتاسر کشور عرض می‌کنم: این نعمت بزرگ را ناسپاسی نکنیم؛ همچنان که در سال ۸۸ این نعمت الهی را عدّه‌ای ناسپاسی کردند. همچنین اینکه گاهی شنفته بشود که انتخابات کشور را به عدم سلامت نسبت می‌دهند ـ یعنی تکرار حرف دشمنان ملّت ایران ـ این هم ناسپاسی است. مردم‌سالاری در کشور به یک جریان عادی تبدیل شده است؛ لذاست مردم در سرتاسر کشور، در روستاها، در شهرها، خود را در مقابل صندوق رأی وظیفه‌دار می‌دانند، به صندوق رأی مراجعه می‌کنند؛ ۷۲ درصد رأی می‌دهند؛ این خیلی چیز مهمّی است؛ در دنیا این رقم، جزو رقم‌های بالا است.

نکته دوّم [که باید] توجّه کنند برادران و خواهران عزیز من، در مورد راهپیمایی بیست‌ودوّم بهمن است. بعضی هستند که با محاسبه، جمعیّت‌ها را محاسبه می‌کنند یا با دوربین‌ها و وسایل گوناگون مقدار جمعیّت را حدس می‌زنند؛ امسال همه کسانی که در این زمینه‌ها فعّال بودند و همه کسانی که این راهپیمایی را با دقّت زیر نظر داشتند، به ما گزارش دادند که جمعیّت راهپیمایی در تهران و در شهرهای بزرگ و معروف از سال‌های قبل، هم بیشتر بود، هم پرشورتر بود یعنی شعارهای مردم، شعارهای پرمغز و پرمعنا و پرشور بود. چرا؟ تحلیلگرانی که مسائل گوناگون را تحلیل می‌کنند، این جور فهمیدند و به نظر ما درست فهمیدند؛ علّت این بود که امسال عوامل مؤثّر در سیاست‌های استکباری، لحن‌شان نسبت به ملّت ایران بی‌ادبانه‌تر و توهین‌آمیزتر بود. چون در زمینه مسائل هسته‌ای مذاکرات انجام گرفته بود، سیاستمداران آمریکا اظهارِنظر کردند که معلوم می‌شود ملّت ایران از حرف خود برگشته است، از اصول خود صرفِ‌نظر کرده است! با این زمینه، لحن‌شان نسبت به ملّت ایران، لحن بی‌ادبانه و توهین‌آمیز بود؛ مردم اینها را شنیدند، دانستند. وقتی دشمن با چهره واقعی خود یا نزدیک به چهره واقعی خود در میدان حضور پیدا می‌کند، مردم انگیزه بیشتری و همّت بلندتری برای حضور پیدا می‌کنند؛ مردم چون دیدند آمریکایی‌ها نسبت به آنها بی‌ادبی می‌کنند و نسبت می‌دهند که از نظام جدا شده‌اند، خواستند در بیست‌ودوّم بهمن نشان بدهند که نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و پرچم برافراشته اسلام با همه وجود دل‌بسته‌اند. این نشان‌دهنده حسّاسیّت مردم ما و غیرت مردم ما در برابر دشمنی و شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است. این هم نکته مربوط به راهپیمایی بیست‌ودوّم بهمن.

امّا راجع به آنچه مربوط به امسال است؛ من اینجا یادداشت‌هایی کرده‌ام، عرایضی دارم، سعی می‌کنم این عرایض را به صورت مجمل ـ در همین مجالی که امروز داریم؛ چون امروز جمعه است و وقت ما در پایان، محدود به نماز جمعه است ـ ان‌شاءالله در همین وقت، آنچه را مورد نظر است عرض بکنم؛ امّا اگر مطلبی هم ناگفته بماند، امیدواریم در گفتارهای صاحب‌نظران و دانایان جامعه که می‌فهمند سیاست جمهوری اسلامی، امروز چیست و چه‌کار دارد انجام می‌گیرد، برای افکار عمومی روشن بشود. حرف من ـ آنچه امروز می‌خواهم عرض کنم به‌طور خلاصه و در یک جمله ـ عبارت است از اینکه ملّت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف، درباره اقتدار ملّی است. من عرض می‌کنم به ملّت عزیزمان که اگر ملّتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملّتی قوی نباشد، باج‌گیران عالَم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند.

طبیعت دنیایی که با افکار مادّی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملّت. شاعر معروف می‌گوید:

مرگ برای ضعیف امر طبیعی است
هر قوی اوّل ضعیف گشت و سپس مرد

می‌گوید مرغ پخته را آوردند در برابر آن کسی که گوشت مرغ و گوشت حیوانی نمی‌خورد، نگاه کرد: «اشک تحسّر ز هر دو دیده بیفشرد» به این مرغی که جلویش گذاشته بودند، گفت:

گفت [به مرغ] از چه شیر شرزه نگشتی
تا نتواند کست به مسلخ آورد

اگر تو از خودت می‌توانستی دفاع کنی و در خودت قدرتی می‌داشتی، جرأت نمی‌کردند این‌جور سر تو را بِبُرند. من نه آن شاعر را قبول دارم، نه ابوالعلای معرّی را که از قول او این حرف گفته شده است؛ امّا این را قبول دارم که مرگ در دنیایی که بر اساس افکار مادّی اداره می‌شود، برای ضعیف امر طبیعی است؛ این را قبول دارم. اگر یک ملّتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند. بعضی ملّت‌ها هستند که تا قوی شدن، فاصله زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ امّا ملّت ما این‌جور نیست؛ ما اولاً استعداد قوی‌شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیّت‌ها هم زیاد داریم؛ ملّت ما به سمت اقتدار ملّی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است؛ من بر این اساس نقشه کلّی سال ۹۳ را در این دو عنصر می‌بینم که در پیام اوّل سال عرض کردم: **اقتصاد و فرهنگ با عزم ملّی و با مدیریّت جهادی**.

قوی شدن یک ملّت فقط به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد؛ البتّه تسلیحات هم لازم است، امّا فقط با تسلیحات هیچ ملّتی قوی نمی‌شود. من وقتی نگاه می‌کنم، سه عنصر را پیدا می‌کنم که دو عنصر از آنها همین دو نقطه‌ای است که در پیام عرض کرده‌ام؛ این سه عنصر اگر مورد توجّه قرار گرفتند، یک ملّت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سوّمی علم و دانش. درباره دانش، در این ۱۲-۱۰ سال گذشته حرف‌های زیادی زده شد و بحمدالله اثر کرد. امروز ما در دانش داریم پیش می‌رویم ـ که بعد باز شاید اشاره‌ای بکنم ـ امّا در مورد اقتصاد و در مورد فرهنگ، یک اهتمام بیش از متعارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی دربیاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست‌وبرخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملّت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، ما باید بکنیم؛ این همان **اقتصاد مقاومتی** است که سیاست‌های آن در اسفند ماه ابلاغ شد؛ بنده هم با مسؤولان و مدیران برجسته کشور جلسه داشتم، مفصّل درباره آن صحبت کردیم؛ تجاوب هم کردند؛ یعنی مسؤولان سه قوّه که خودشان هم در تنظیم این سیاست‌ها مؤثّر بودند و حضور داشتند، استقبال کردند و گفتند ما این کار را انجام می‌دهیم. من می‌خواهم با مردم عزیزمان درباره اقتصاد مقاومتی اندکی امروز صحبت کنم و مردم از خود این حقیر، مطلبی را که می‌خواهم عرض کنم بشنوند.

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمی‌شود؛ اقتصادی است متّکی به مردم. سه سؤال درمورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح می‌کنم. سؤال اوّل این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیّات مثبت آن و خصوصیّات منفی و سلبیِ آن چیست؟ سؤال دوّم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را می‌دهیم، تحقّق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟ سؤال سوم: اگر تحقّق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب می‌دهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسأله فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسأله مهمّی است، عرایضی را عرض خواهم کرد.

سؤال اوّل: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. اوّلاً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است ـ این آن جنبه مثبت ـ امّا منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجّه به این تکانه‌های اجتماعی و زیرورو‌شدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتّفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اوّل اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوّم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیّت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متّکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. امّا درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، امّا برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، امّا درون‌گرا نیست. اینها را که عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلم‌ها و زبان‌ها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملّت را و مسؤولان را از این راه ـ که راه سعادت است ـ جدا بکنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سوّم اینکه این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقّق پیدا می‌کند. امّا «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسؤولیّتی ندارد؛ چرا، دولت مسؤولیّت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیّت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعّالیّت اقتصادی دستِ مردم است، مال مردم است؛ امّا دولت ـ به‌عنوان یک مسؤول عمومی ـ نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه دولت است؛ تسهیل می‌کند.

چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ امّا معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها ـ تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند ـ می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمّی هم به عهده اینها است.

پنجم، این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری ـ [مثل] رشد ملّی، تولید ناخالص ملّی ـ اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملّی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملّی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملّی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، امّا کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت ـ عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه ـ یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، امّا معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجّه می‌شود، امّا بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملّی را افزایش دادن است.

ششم، در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حلّ مشکلات اقتصادی کشور است شکّی نیست، امّا معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است ـ که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است ـ نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند. این سؤال اوّل.

سؤال دوّم این بود که آیا این برنامه اقتصادی که شما می‌گویید اقتصاد مقاومتی، یک امر خیالی و توهّمی است و آرزو دارید که انجام بگیرد؛ یا نه، عملاً ممکن است؟ پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به‌خاطر ظرفیّت‌ها؛ چون این کشور، دارای ظرفیّت‌های فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیّت‌های کشور را عرض می‌کنم. اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب‌وغریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند.

یکی از ظرفیّت‌های مهمّ ما، ظرفیّت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیّت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیّت جوان کشور ـ از ۱۵ سال تا ۳۰ سال ـ یک حجم عظیم از ملّت ما را تشکیل می‌دهند؛ این خودش یک ظرفیّت است. تعداد ۱۰ میلیون دانش‌آموخته دانشگاه‌ها را داریم؛ ۱۰ میلیون از جوان‌های ما در طول این سال‌ها از دانشگاه‌ها فارغ‌التّحصیل شدند. همین حالا بیش از ۴ میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ‌التّحصیل می‌شوند؛ جوانان عزیز بدانند، این ۴ میلیونی که می‌گویم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیّت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، امّا تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التّحصیل داریم. علاوه بر اینها، میلیون‌ها نیروی مجرّب و ماهر داریم. ببینید، همین‌هایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلّح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم ـ مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها ـ بود. یک عدّه افراد صنعتگر، ماهر، مجرّب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها ـ که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را می‌دیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنّی از آنها گذشته، امّا همان انگیزه و همان شور در آنها هست ـ رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدّم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پل‌های عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلّح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جادّه، امثال اینها، به‌وسیله همین نیروهای مجرّب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله؛ تحصیل‌کرده نیستند، امّا تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل‌کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

یکی از ظرفیّت‌های مهمّ کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه کشورهای دنیا ـ شرق و غرب عالم ـ بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف می‌زنم، کشفیّاتی درمورد گاز شده است که نشان می‌دهد از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره منابع انرژی ـ که همه دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد ـ در کشور ما است. علاوه بر این، معادن طلا و معادن فلزّات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگ‌های قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی ـ که مادر صنایع محسوب می‌شوند ـ در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیّت بزرگی است.

ظرفیّت دیگر موقعیّت جغرافیایی ما است؛ ما با ۱۵ کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصت‌های بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیّت زندگی می‌کنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمّی است.

یک ظرفیّت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سدّ و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیّت‌های یک کشور است.

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیّت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید، امّا [چون] تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیّت‌ها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بِروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، امّا درعین‌حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلّول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیّت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزم‌مان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشم‌مان به دست دشمن نباشد که کِی این تحریم را برمی‌دارد، کِی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه‌کار می‌توانیم بکنیم.

سؤال سوم را مطرح کنم و جواب بدهم. سؤال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقّق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ خلاصه عرض می‌کنیم: اولاً مسؤولان باید از تولید ملّی حمایت کنند. تولید ملّی، اساس و حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسؤولان باید از تولید ملّی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضایی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملّی باید رونق پیدا کند.

دوّم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملّی اهمّیّت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حدّاکثر استفاده بهینه بشود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقّت انجام بدهد؛ رحم‌الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حدّاکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب می‌شود هزینه تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوّم، صاحبان سرمایه در کشور، فعّالیّت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعّالیّت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند ـ کم یا زیاد ـ و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند ـ چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون ـ آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

بعدی، مردم در همه سطوح، تولید ملّی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عدّه‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، امّا همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می‌کنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملّی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به‌عنوان یک سنّت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، [می‌پرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به‌عکس بشود. نمی‌گوییم خرید جنس خارجی حرام است، امّا عرض می‌کنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجّه کرد؛ این نقش همه مردم است. البتّه در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسؤولیّت مسؤولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت‌وپاش‌ها در رفتار مردم، به‌خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را «بزرگ‌ترها» می‌دانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است.

من این بخش را جمع‌بندی کنم. من عرض می‌کنم: اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه می‌توانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسؤولین و مسؤولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البتّه آنچه ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به‌عهده صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.

بخش دوّم حرف من، درباره فرهنگ است. من در یک جمله عرض بکنم: عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفّس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفّس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. الان درباره تولید داخلی حرف می زدیم؛ اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقّق پیدا کند، باید فرهنگ [مصرف] تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمّیّت دارد. مثلاً در حوزه اجتماعی، قانون‌گرایی ـ که مردم به قانون احترام بگذارند ـ یک فرهنگ است؛ تعاون اجتماعی یک فرهنگ است؛ تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای‌ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جور دیگری خواهد شد؛ خدای‌ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند ـ وَاتَّبِعوُا الشَّهَواتِ فَسَوفَ یَلقَونَ غَیّا ـ به آن سرنوشت دچار شدند. بنابراین تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرّک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسؤولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حسّاس باشند، باید هشیار باشند. نمی‌خواهیم بگوییم همه آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصّریم؛ مسؤولان مختلف، مسؤولان فرهنگی، مسؤولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ امّا حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم. امروز و از روزهای اوّل انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه توش‌وتوان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند. این کارِ فرهنگی است؟ ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند، باورهای قلبیِ مردم را مورد تهاجم قرار می‌دهند؛ این را نمی‌شود انسان ندیده بگیرد.

ادامه در صفحه ۱۲